



## دروغ اثر منفی بر ذهن و جسم گوینده و شنونده دارد/ دروغ منشأ همه بدیهاست

یک عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی با بیان اینکه دروغ، تمام روابط ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد و آثار منفی بر ذهن و جسم گوینده و شنونده دارد، گفت: دروغگویی به رغم اینکه امری در حوزه اخلاق است کاملاً تحت تأثیر نظام اقتصادی و داد و ستد در جامعه است.

یک عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی با بیان اینکه دروغ، تمام روابط ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد و آثار منفی بر ذهن و جسم گوینده و شنونده دارد، گفت: دروغگویی به رغم اینکه امری در حوزه اخلاق است کاملاً تحت تأثیر نظام اقتصادی و داد و ستد در جامعه است.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت‌الاسلام سیدابراهیم رئیسی، معاون اول قوه قضایه اخیراً طی سخنرانی‌ای با بیان اینکه بسیاری از پرونده‌های دادگاه‌ها محصول دروغ و هواهای نفسانی هستند، گفت: بخش قابل توجهی از پرونده‌ها به دلیل دروغ تشکیل می‌شود که اگر این مورد از جامعه رخت بریندد بسیاری از مشکلات و پرونده‌ها حل خواهد شد.

دکتر بخشعلی قنبری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و کارشناس ادیان و عرفان در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد پیامدهای دروغ در جامعه گفت: آثار و تبعات دروغ واقعاً زیاد است. برای اینکه این آثار و تبعات را توضیح دهم لازم است خدمت شما عرض کنم در یکی از روایات اسلامی آمده است که یکی از معصومان (ع) بزرگوار فرمودند که «دروغ منشأ همه بدیهاست»؛

وی افزود: نقل است که شخصی خدمت معصوم (ع) رسید و عرض کرد: راه نجات چیست؟ ایشان در جواب فرمودند که برای نجات یافتن لازم است که کاری را انجام دهید تا نجات پیدا کنید. آن شخص گفت: من کارهای نادرست زیادی انجام دادم و گناهان من زیاد است. چگونه است که با یک کار نجات پیدا می‌کنم. امام (ع) فرمودند: اگر فقط همین یک کار را انجام دهی، بقیه حل می‌شود و آن این است که دروغ نگوئید. این شخص رفت و هر کاری که خواست انجام دهد این سؤال به ذهنش رسید اگر کسی از او بپرسد که آیا تو این کار را انجام دادی یا نه؟! باید چه بگوید. چون نباید دروغ بگوید پس باید بگوید که آن کار نادرست را انجام داده، بنابراین با این روش یکی پس از دیگری تمام رذایل این فرد کم شد و از این جهت واقعیت این است که دروغ، آثار بسیار فراوانی دارد.

این استاد ادیان و عرفان در ادامه سخنانش اظهار داشت: بنابراین برای اینکه آثار دروغ را دقیق و متمایز از همدیگر بیان کنم به این نکته اشاره می‌کنم در بررسی ساحت‌های وجودی انسان چند نظریه وجود دارد که یک نظریه این است که می‌گوید که ساحت وجودی انسان جسم و روح است. اصحاب نظریه دیگر می‌گویند ساحت وجودی انسان، بیرونی و درونی است. دسته دیگر می‌گویند ساحت‌های وجودی انسان پنج گونه است. براساس این ساحت‌های پنج گانه می‌خواهم آثار دروغ را توضیح دهم. به این صورت گفتند که انسان پنج ساحت دارد: ساحت اول، ساحت عقل و معرفت است.

وی با اشاره به اینکه ما در همین زمینه بررسی می‌کنیم که دروغ چه عواقبی را خواهد داشت، گفت: طبیعتاً دروغ برای فردی که به او دروغ می‌گوئیم، دو تأثیر منفی خواهد داشت. یکی این است که برای کسی که دروغ می‌گوید به لحاظ حافظه دچار مشکل خواهد شد که در ضرب المثل فارسی هست که «دروغگو، کم حافظه است»؛

وی افزود: برخی از صاحب نظران ثابت کردند دچار شدن به برخی از گناهان و ناهنجاریهای اخلاقی آسیب بدنی و جسمی به وجود می‌آورد. از جمله این گناهان، دروغ است که یکی از آثاری که به وجود می‌آورد، کم شدن حافظه است. نکته دیگری که برای خود فرد دروغگو در حوزه معرفت به وجود می‌آید این است که در این حوزه باعث خلل در اندیشه او می‌شود. به خاطر اینکه او در ساحت گفتار چیزی را باید بگوید و در ساحت درون چیز دیگری را مطرح کند، لذا این شخص همیشه در تناقض خواهد بود. همین وضعیت کم و بیش در شخصی که دروغ را می‌شنود نیز اثر خواهد گذاشت. وقتی شخصی به کسی دروغ می‌گوید در واقع اطلاعات غلط را به

او می دهد؛ چه بسا این اطلاعات غلط کل زندگی این فرد را تحت تأثیر قرار می دهد و تمام ساحت‌های وجودی او را متأثر کند و به تبع آن چهار رابطه این فرد را دچار اضطراب و تشویش کند چون هر فردی چهار رابطه (خدا، خود، سایر انسانها و طبیعت) دارد.

قنبری در ادامه سخنانش با بیان اینکه در ساحت معرفتی هم دروغ گوینده دچار مشکل می شود هم شنونده دروغ دچار مشکل می شود، گفت: ساحت دوم، احساس عاطفه و هیجان است. طبیعتاً وقتی ما دروغی را می شنویم. دروغ فقط بر روی معرفت ما تأثیرگذار نیست. چه بسا ما براساس دروغ احساساتمان نسبت به چیزی بیشتر و یا کمتر شود. هم بیشتر شدنش و هم کم شدنش نادرست است، چون هیچ کدام از آنها ناظر به واقعیت نیست و ناقض باور هم نیستند. اینجاست که احساس ما را تحت تأثیر قرار می دهد. به دنبال احساس ممکن است عاطفه ما هم به گونه ای دیگر بروز داده شود و به دنبال این بروز بودن نفاق تولد پیدا می کند. مثلاً من براساس گفته کسی به شخص دیگری ارادت پیدا کردم بعد بر اساس این شناخت احساس خود را ابراز می کنم مثلاً با او دست می دهم و سلام می کنم یا کار دیگری انجام می دهم در حالی که به لحاظ وجدانی بعدها که متوجه این قضیه می شوم که این امر دروغ بود، ساختمان احساسی و عاطفی به وجود آمده، دروغ خواهد شد. در ساحت هیجان وضعیت به مراتب بدتر خواهد بود.

این کارشناس نهج البلاغه اذعان کرد: مثلاً فرض کنید شما به یک نفر خبر دروغ دادید. در شنیدن اخبار اولین ساحتی که از انسانها فعال می شود ساحت روانی انسان یعنی احساس، عاطفه و هیجان است چه بسا این انسان دست به هیجان بزند و احساس خود را عملی کند. مثلاً وقتی ما نسبت به کسی احساس نفرت داریم ممکن است این نفرت خودمان را عملی کنیم وقتی عملی کردیم، عملی کردن ما همیشه یکسان نیست که مثلاً سیلی به صورت کسی بزنم چه بسا کسی در این میان کشته شود. ممکن است اتفاقی خطرناکی رخ دهد.

وی با بیان اینکه ساحت دیگر انسان، اراده است، اظهار داشت: گفتارهایی که ما می شنویم برای ما تصمیم سازی می کنند، چون هیچ انسانی بدون آگاهی و معرفت نه تصمیم می سازد نه تصمیم می گیرد. وقتی خبر دروغ به ما رسید تصمیم سازی ما براساس اطلاعات دروغ انجام می شود. آن وقت اراده من، اراده معطوف به حقیقت و واقعیت نخواهد بود. طبیعتاً وقتی ما دروغ می شنویم، در ساحت گفتار، سخن دروغ، دروغ به بار می آورد.

قنبری با بیان اینکه امام علی(ع) می فرمایند: «#171؛ سخنان راست، غذای روح است.»؛ گفت: وقتی ما به روح غذای دروغ دادیم و دروغ را به عنوان غذا برایش فرستادیم. روح تعالی پیدا نمی کند. بنابراین سخن دروغی که می شنویم بر گفتار ما تأثیرگذار خواهد بود. پنجمین ساحت انسان، عمل است. در این صورت براساس دروغ عمل می کنیم، چون نمی دانیم دروغ است و چه بسا به حقوق مردم تعرض می کنیم.

این استاد دانشگاه با تأکید بر اینکه دروغ، تمام روابط ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد، بیان کرد: چنانچه که اشاره کردم هر انسان دارای چهار نوع رابطه است. دروغ، رابطه انسان با خدا را متزلزل می کند، چون خداوند می داند که ما دروغ می گوئیم. همچنین دروغ رابطه با خودمان را هم عوض می کند. منتها عوض شدن یک سری فرآیند است. در روزهای اول که دروغ می گوئیم یا دروغی را باور می کنیم شاید انجام دادن این کار برای ما سخت باشد اما به تدریج این امر استمرار پیدا می کند. براساس دروغ، یک شخصیت دیگر دروغین از خود ما نزد خود ما شکل می گیرد و آن وقت است که ما براساس همین شخصیت دروغین ما می خواهیم با مردم تعامل پیدا کنیم.

قنبری افزود: طبیعی است وقتی که دروغ بگوئیم و شخصیت دروغینی از خود داشته باشیم باعث می شوم که هم رابطه من با دیگران معوج شود بلکه باعث خواهم شد رابطه دیگران با هم به هم بخورد. وقتی خبر دروغی را پخش می کنم این خبر دروغ اثر خواهد گذاشت به دلیل اینکه انسانها موجوداتی مؤثر و متأثر هستند. دروغ گفتن در رابطه انسان با طبیعت هم اگرچه ممکن است به اندازه سه رابطه فوق الذکر مؤثر نباشد اما جالب است بگوئیم که حتی برخی از پژوهشگران آزمایشهایی انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که برخی از گیاهان به سخنان دروغ ما حساس هستند یعنی دروغ انسانها بر گیاهان هم تأثیرگذار است.

وی در پاسخ به این سؤال که چرا ما دروغ می گوئیم؟ چه زمینه ها و عللی باعث می شود که ما دروغ بگوئیم؟ گفت: برای دروغ گفتن چند علل روانی می توان مطرح کرد: یکی از علل روانی ترس است. یکی از علل روانی دیگر، جهل است. یکی دیگر از این علل روانی، نیاز است. اگر این مثلث علل را از بین ببریم نیاز به دروغ از بین خواهد رفت.

این محقق و نویسنده کشورمان با طرح این پرسش که چرا ما از همدیگر می ترسیم؟ اظهار داشت: یکی از مهمترین علل ترس ما از همدیگر کم ظرفیتی است، اگر ما مطمئن شویم که طرف مقابل ما دارای ظرفیت بالایی است هیچ وقت نمی ترسیم. وقتی ظرفیت او را بدانیم نمی ترسیم، وقتی نترسیدیم هر سخن راستی را می توانیم بیان کنیم. ممکن است خبری به ما برسد می ترسیم اگر این خبر را به طرف مقابل خود بگوئیم او سکنه کند. بنابراین ترجیح می دهیم دروغ بگوئیم. یا ما در خانواده خود به همدیگر دروغ می گوئیم به دلیل اینکه از ظرفیت همدیگر مطمئن نیستیم، کما اینکه جای سؤال وجود دارد که چرا همه مردم در زمان پیامبر اسلام(ص) می

توانستند هر گونه سخنی را با ایشان در میان بگذارند؟ هر گناهی کرده بودند به راحتی بیان می کردند چون مطمئن بودند اولاً حضرت عصبانی نمی شوند. دوم اینکه ایشان پخش کننده خبر نیست، بلکه محرم اسرار است.

وی با طرح این پرسش که چرا به دیگران حرف راست را نمی گوئیم؟، بیان کرد: به دلیل اینکه ممکن است حرف را به دیگران منتقل کند. بنابراین تأکید می کنم عامل همه فسادها دروغ است و علت اساسی دروغ کم ظرفیتی است. دومین علت دروغ هم جهل است. گاهی اوقات از سر نادانی دروغ می گوئیم و البته حل این مشکل آسانتر است. علت سوم دروغ نیاز است. اگر نیازهای اولیه ما از راه سالم تأمین شود دست کم به خاطر این نیازها دروغ نخواهیم گفت. اگر بتوانیم این علل را از بین ببریم به کاهش دروغ گفتن کمک کرده ایم.

وی در پایان سخنانش تأکید کرد: هرگاه در میزان داد و ستد، تقاضا زیاد و عرضه کم شود، زمینه برای دروغگویی بیشتر فراهم می شود، لذا در اینجا دروغگویی به رغم اینکه امری اخلاقی است کاملاً تحت تأثیر نظام اقتصادی و داد و ستد در یک جامعه است.